ورود دادستان کل به مساله آلودگی هوا

حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه با تأکید بر این‌که هوای پاک از حقوق عامه است که نباید اجازه داد مردم به خاطر ترک فعل برخی مسؤولان آسیب ببینند، از دادستان کل خواست برخورد با مسؤولان متخلف را پیگیری کند. رئیس قوه قضاییه افزود: قانون هوای پاک وظایفی را برای مسؤولان و دستگاه‌های مختلف مشخص کرده و معلوم می‌شود وقتی با این معضل مواجه می‌شویم، مسؤولی کم‌کاری و ترک فعل کرده است./مهر

آغاز مرحله دوم تزریق واکسن ایرانی کرونا به داوطلبان

حامد حسینی، مدیر مرکز کارآزمایی بالینی دانشگاه علوم پزشکی تهران از آغاز مرحله دوم تزریق داوطلبان واکسن ایرانی کرونا خبر داد و گفت: مجوز مرحله دوم تزریق به داوطلبان اولین مطالعه انسانی واکسن ایرانی کوو ایران برکت، صادر و این مرحله تزریق از روز گذشته آغاز شده است. وی افزود: تزریق واکسن ایرانی تا پایان هفته جاری به چهار داوطلب دیگر انجام می‌شود. به عبارتی تا پایان این هفته مجاز به تزریق واکسن به چهار داوطلب هستیم و اوایل هفته آینده نتایج مرحله دوم به کمیته پایش اعلام می‌شود./ایرنا

اورژانس بیمارستان‌های رجایی، ولیعصر(عج) و خاتم‌الانبیا این روزها که کرونا فروکش کرده به‌دلیل آلودگی هوا شلوغ‌تر از گذشته است

عکس: جام جم

جام جم از وضعیت ۳ بیمارستان پایتخت پس از اوج‌گیری آلودگی هوا گزارش می‌دهد

شرایط کاملا اورژانسی

مراجعه بیماران مبتلا به کرونا به مراکز درمانی سیر کاهشی دارد اما آمار مراجعه بیماران ناشی از آلودگی هوا روندی افزایشی دارد

لیلا شوقی

جامعه

کرونا و آلودگی هوا این روزها دست به دست هم داده‌اند و برای شهروندان شاخ و شانه می‌کشند. هدف هر دو نفوذ به ریه افراد است. به همین دلیل این روزها اورژانس بیمارستان‌های پایتخت مقصد بسیاری از شهروندان است که از تنگی نفس به ستوه آمده‌اند. آمار و اطلاعات اورژانس کشور نیز این روند را تایید می‌کند، چراکه تعداد تماس‌ها به خاطر آلودگی هوا، ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر شده است. آن‌طور که سخنگوی اورژانس می‌گوید نسبت به روزهای پیش از آلودگی هوا، بیماران تنفسی حدود ۸/۵ درصد بیشتر با اورژانس تهران تماس می‌گیرند. به گفته او تماس بیماران قلبی نیز در این مدت حدود ۱۰ درصد بیشتر شده است. از ۹ تا ۱۴ دی که هوای تهران آلوده‌تر شده است حدود ۱۳۰۰ نفر بیمار تنفسی و قلبی-عروقی با اورژانس تهران تماس گرفته‌اند. در روزهایی که مراجعه افراد مبتلا به کرونا، به مراکز درمانی کمی کاهش پیدا کرده است، اما مشاهدات ما از اورژانس سه بیمارستان، ولیعصر(عج)، خاتم‌الانبیا(ص) و قلب رجایی از این حکایت دارد که آلودگی هوا پای گروه‌های آسیب‌پذیر را بیش از گذشته به مراکز درمانی باز کرده است.

اورژانس بیمارستان ولیعصر(عج)، در انتهای گوشه سمت راست حیاط بزرگ بیمارستان قرار دارد، درست کنار داروخانه شبانه‌روزی. درون محوطه، پر از سرباز و خودروهای پلاک سبز است. حتی پلاک آمبولانس‌ها هم سبز است. روبه‌روی اورژانس، پنج شش ردیف آمبولانس نشسته‌اند به انتظار بیمار اورژانسی. در الکترونیکی که باز می‌شود، سالن بزرگ پذیرش به استقبال می‌آید. ساعت ۱۰ صبح است و صندلی‌های آهنی محوطه انتظار یکی در میان پر هستند. صندلی‌های خالی را با برچسب پوشانده‌اند تا کسی روی آنها ننشیند. دو سه نفر ایستاده‌اند، روبه‌روی اتاق پزشک، روی عکس رد پاهایی که زردرنگ نقاشی شده است. درست کنار اتاق پرستاری، سالن بزرگ اورژانس خودش را نشان می‌دهد. محوطه بیضی بزرگ وسط سالن اورژانس، ایستگاه پرستاری است. کم و بیش، تخت‌ها پر هستند. اینجا اورژانس بیمارستان ولیعصر(عج) است.

> یکی از پرستان بیمارستان ولیعصر(عج) می‌گوید: مراجعه بیماران بد حال تنفسی به خاطر آلودگی هوا صبح‌ها از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه شروع می‌شود اما بعدازظهرها که غلظت آلودگی بیشتر می‌شود مراجعه به اورژانس نیز افزایش می‌یابد

۲۰ تا ۳۰ درصد مراجعه بیشتر

پسر جوان فرز و چابک، می‌دود به این طرف و آن طرف سالن، جز یک ماسک نازک و روپوش سفید، پوشش محافظتی دیگری به تن ندارد. تند آمپول را تزریق می‌کند به سرم خانم جوانی که روی تخت خوابیده است، سرم زرد می‌شود بعد از تزریق آمپول بعد سرنگ را می‌اندازد درون ظرف بزرگ زباله. می‌گوید نسبت به روزهای قبل که هوا این‌قدر آلوده نبود، مراجعه به‌خاطر آلودگی هوا، ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. خانم‌های باردار، افرادی که آسم دارند و نیز سالمندان بیشترین مراجعانی هستند که به اورژانس این بیمارستان سر می‌زنند. او می‌گوید: «این روزها مراجعه افراد مبتلا به کرونا کم شده اما در مقابل، به‌خاطر آلودگی هوا، سرمان شلوغ است.»

مراجعه بیماران بد حال تنفسی به خاطر آلودگی هوا صبح‌ها از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه شروع می‌شود. بعدازظهرها که غلظت آلودگی بیشتر می‌شود مراجعه به اورژانس نیز افزایش می‌یابد. حرف پرستار جوان که به اینجا می‌رسد، پیرزنی را با ویلچر به اورژانس می‌آوردند.

چادر زن یک وری افتاده است روی سرش. لب‌های پیرزن سفید است، خس خس می‌کند و قفسه سینه‌اش، تند و سریع بالا و پایین می‌شود. دختری جوان پشت ویلچر راه می‌رود. چشم‌هایش نگران است.

پیرزن را می‌خوابانند روی یکی از تخت‌های اورژانس، پزشک اورژانس می‌رود بالای سرش و پرده را می‌کشد.

دستگاه اکو را سریع می‌برند بالای سر پیرزن، می‌خواهند نوار قلبش را بگیرند. پزشک اورژانس که بیرون می‌آید، چیزی می‌نویسد روی برگه پذیرش و می‌گوید: «اکسیژن هم به او وصل کنید.» چشم‌های دختر جوان خیس است. می‌گوید مادرش بیماری آسم دارد و چند روزی را به خاطر آلودگی هوا در خانه بوده‌است، دیروز اما پیرزن، خسته از در خانه ماندن، چند ساعتی را با دوستانش در پارک محل می‌گذراند و تنگی نفس و مراجعه به اورژانس بیمارستان می‌شود نتیجه دیدار با دوستانش.

پرده تخت پیرزن برای لحظه‌ای کنار می‌رود، چشم‌هایش حالا که با کپسول اکسیژن نفس می‌کشد، آرام گرفته‌است.

می‌ترسند و مراجعه نمی‌کنند

دو خودروی آمبولانس، آماده به خدمت ایستادند رو به روی در اورژانس بیمارستان خاتم‌الانبیا(ص). در که باز می‌شود، میز پزشک اورژانس اول از همه به چشم می‌آید. میز پزشک اورژانس دقیقا روبه‌روی در ورودی است. صحنه پشت پزشک، سالن اورژانس است؛ پرستاران و بیماران در یک گراند، در رفت و آمدند.

پزشک اورژانس آزمایش‌های مرد جوان را چک می‌کند و بعد روی یکی از برگه‌های دفترچه، قرص ویتامین D برایش می‌نویسد و تاکید می‌کند هفته‌ای یک بار قرص را مصرف کند. از افزایش مراجعه به خاطر آلودگی هوا که می‌پرسیم، برای لحظه‌ای فکر می‌کند، بعد رد خنده را می‌توان از پشت ماسک دید. می‌گوید این روزها همه به فکر علائم دیگری هستند. نه این که مراجعه سالمندان یا بیماران قلبی به اورژانس بیشتر نشده، که از نظر او شده‌است اما می‌گوید این روزها، همه به فکر تشخیص افراد مبتلا به بیماری کرونا هستند و هر کسی که با علائم سردرد یا تنگی نفس به اورژانس مراجعه می‌کند، او را از نظر کرونا تست می‌کنند، تست‌هایی که البته در بیشتر موارد، منفی است.

حرف پرستار بخش اورژانس بیمارستان هم همین است. این که اغلب بیماران را به خاطر ابتلا به بیماری چک می‌کنند. او می‌گوید که بسیاری از افراد با اورژانس تماس می‌گیرند و از علائم مشکلات تنفسی، سردرد، سرگیجه یا تنگی نفس می‌گویند. او می‌گوید افراد بیشتر ترجیح می‌دهند به بیمارستان مراجعه نکنند و در خانه بمانند. او دلیل این اتفاق را ترس از مراجعه به بیمارستان و ابتلا به کرونا می‌داند. این روزها او و دیگر همکارانش اما بیشتر از گذشته با بیمارانی که مشکلات تنفسی دارند روبه‌رو می‌شوند.

روزی ۲ تا ۳ بیمار تنفسی

دو سه خانم و آقا ایستاده‌اند در صف تریاژ. دختر جوانی که پشت میز نشسته است، تند و سریع مراجعین را پذیرش می‌کند. پزشک جوان تریاژ هم، ایستاده، بیماران را ویزیت می‌کند. تند و سریع، مهرش را می‌زند روی برگه شرح بیمار و بعد سریع‌تر از آن ویزیت‌شان می‌کند، قلم را می‌سراند روی دفترچه و دارو تجویز دارو می‌کند. می‌گوید روزی دو تا سه نفر، مراجعه‌کننده بدحال دارد، سالمندانی که آلودگی هوا، بیماری قلبی و تنگی‌نفس‌شان را بیشتر کرده است. بعد اما از بیمارستان دیگری که به‌جز این بیمارستان در آنجا کار می‌کند، می‌گوید، از بیمارستانی که بسیاری از مراجعینش، به خاطر مشکلات تنفسی به آنجا مراجعه می‌کنند و توضیح می‌دهد که به خاطر آلودگی هوا، تعدادشان هم بیشتر شده است اما آمار دقیقی نمی‌دهد.

بیرون محوطه کوچک بیمارستان، راننده‌های آمبولانس ایستاده‌اند و گفت‌وگو می‌کنند. هیچ‌کدام‌شان ماسک به صورت نزده‌اند، از تعداد مراجعه بیماران حاد تنفسی که می‌پرسیم، کمی فکر می‌کنند، مسن ترینشان می‌گوید که در روز یکی دو بیمار بدحال سالمند و میانسال به بیمارستان می‌رساند، اما موضوع اینجاست که ممکن است آنها افراد مبتلا به بیماری کرونا باشند، به خاطر همین مطمئن نیست که آنها به خاطر آلودگی هوا بیمار شده‌اند یا نه.

یک خانم مسن لاغراندام، آرام راه می‌رود. بعد از چند قدم می‌ایستد. رنگ و رویش پریده است. ماسک به صورت ندارد. می‌پرسیم: «مادر جان خوبید؟ چرا ماسک نزده‌اید؟» حالا که نزدیک شده‌ایم، صدای نفس کشیدن سخت شنیده می‌شود. دستمان را می‌گیرد. سرگیجه دارد. می‌گوید که سردرد دارد. پیرزن را می‌برند درون اورژانس و می‌نشانند روی صندلی، پزشک معاینه‌اش می‌کند، صدای نفس‌هایش کند شده است. می‌پرسد: «مادرجان مشکل قلبی، تنگی نفس، آسم، سرفه دارید؟» و پیرزن سر تکان می‌دهد به نفی. تبش را چک می‌کند و می‌پرسد تا به حال به کرونا مبتلا شده، پیرزن می‌گوید که یک ماه پیش از بستر بیماری بلند شده است. فشارش را می‌گیرند، ۱۰ روی ۷، نرمال است. پزشک زل می‌زند به پیرزن و می‌گوید: «نکند به خاطر آلودگی هوا این طور شده است؟»

افزایش مراجعه ۱۰ تا ۱۵ درصدی

برای رسیدن به اورژانس بیمارستان قلب شهید رجایی، باید جاده باریک سربالایی را برویم، هر بیمار قلبی بعد از فتح قله سربالایی، حتما کارش به اورژانس می‌کشد. بعد از سربالایی اما حیاط آسفالته خودش را نشان می‌دهد. وسط حیاط یک اتاقک شیشه‌ای است که سقفش را با نصب پرچم سه رنگ کشور، فتح کرده‌اند. بیرون اورژانس یک اتاقک نایلونی درست کرده‌اند که با صندلی پر شده است. همه صندلی‌ها بدون فاصله‌گذاری، پر شده از مراجعه‌کننده. مراجعه‌کننده‌هایی که اغلب میانسال و پیرند. جلوی اتاق تریاژ، اکوی قلب و پذیرش، صف ایستاده‌اند.

کارشناسی که اکوی قلب می‌گیرد، منتظر است تا بیمارش آماده شود. در این فاصله از او درباره افزایش اکوی قلب بیماران می‌پرسیم. جواب می‌دهد که اتفاقا تعدادشان نسبت به قبل بیشتر شده است، کسانی که از قبل مشکلات قلبی یا حتی بیماری قلبی دارند و حالا آلودگی هوا، آنها را به بیمارستان کشانده است. او تخمین می‌زند که در یکی دو روز اخیر، درصد مراجعه‌شان ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر شده است. او می‌گوید درست است که این روزها، خیلی‌ها ماسک می‌زنند، موضوع اما اینجاست که افراد نفس کم می‌آورند و ماسک را پایین می‌آورند. برخی هم که ماسک زدن یا ماسک نزدن‌شان فرقی ندارد، چراکه هنوز نمی‌دانند چه طور باید ماسک بزنند و بینی و دهانشان را درست نمی‌پوشانند. از نظر او پوشاندن صورت به طور کامل مهم‌ترین نکته‌ای است که بسیاری از افراد به آن توجه نمی‌کنند. زن صدایش می‌کند، باید برود و اکوی قلب این بیمار را بگیرد، بیماری که البته از قبل مشکل قلبی داشته و حالا به خاطر تنگی‌نفس و درد شدید قفسه سینه مراجعه کرده است.

پزشک تریاژ، یک پیرمرد لاغر و خوش‌برخورد است. سرش گرم پر کردن شرح حال بیمار است. همزمان علائم بیماری را هم وارد سیستم می‌کند و به همه مراجعانش، «دخترم» و «پسرم» می‌گوید و حتی پیرمردی را که جلویش نشسته «پسرم» صدا می‌زند. می‌گوید آلودگی هوا به خودی خود مشکل قلبی ایجاد نمی‌کند، بلکه برای افرادی که مشکل قلبی دارند، می‌تواند خطرناک باشد. او می‌گوید آلودگی هوا این روزها بیشتر از این‌که باعث مراجعه بیماران قلبی به بیمارستان بشود، آنها را از نظر تنفسی دچار مشکل می‌کند و بیمارانی که مشکل قلبی دارند، به‌خاطر همین به اورژانس مراجعه می‌کنند. حرفش که به اینجا می‌رسد، از پشت عینک نگاه دقیقی به پیرمردی که برای معاینه روی صندلی نشسته می‌کند و بعد می‌گوید: خب پسرم، بگو ببینم چندوقته تنگی‌نفس گرفته‌ای؟

کودکان بیمار، طعمه آلودگی

روی صندلی بزرگ درمانگاه قلب پر از بیمار است؛ بیمارانی که لباس محلی، کردی و بلوچی به تن کرده‌اند. خیلی‌هایشان با رنگ و روی‌های پریده خوابیده‌اند روی نیمکت‌های خشک و سرد. دختر بچه‌ای با چشم‌های درشت قهوه‌ای کز کرده بغل مادرش. دختر بچه تازه چهار سالش شده است. مادرش با لهجه مشهدی می‌گوید به‌خاطر مشکل قلبی دختر به تهران آمده است. می‌گوید این روزها دخترش مدام سرفه می‌کند و گاهی حتی نمی‌تواند نفس بکشد. بازی کردن با بچه‌های دیگر که جزو آرزوهای دختر چشم‌قهوه‌ای است، حالا تنفس هوای پاک هم به آرزوهایش اضافه شده. مادرش می‌گوید در مشهد نمی‌توان نفس کشید از بس که هوا خاکستری و تیره است. دخترک لبخند قشنگی می‌زند و خیره نگاه می‌کند به پسربچه شیطانی که ماسک عروسکی به صورت زده است. سرفه، لبخند دختر را محو می‌کند. دخترک را صدا می‌کنند، حالا دختربچه را باید ببرند برای معاینه و اکوی قلب. بیرون اورژانس بیمارستان، پیرمرد و پیرزنی عصا به دست از سربالایی بیمارستان بالا می‌آیند. پیرزن لحظه‌ای می‌ایستد و دست می‌گذارد روی قفسه سینه‌اش. پیرمرد عرقش را پاک می‌کند و از داخل جیبش اسپری‌اش را درمی‌آورد و نفس تازه می‌کند و بعد رو به زن می‌گوید: «کم مانده... یک اکسیژن بگیری، حالت جا می‌آید.» و نگاه می‌کند به کوه‌های شمالی که غبار خاکستری آنها را پوشانده است.

تماس‌های اورژانسی

جامعه+

حقیقت این است از زمانی که آسمان تهران و چند شهر دیگر خاکستری شده، تماس‌ها به اورژانس هم بیشتر شده است. پیمان صابریان، رئیس اورژانس تهران به ما می‌گوید تعداد تماس‌ها به‌خاطر آلودگی هوا، ۱۰ درصد بیشتر شده است. او می‌گوید انتقال بیماران قلبی و تنفسی به اورژانس بیمارستان هم ۷ درصد افزایش پیدا کرده است. او می‌گوید شرایط در منطقه ۱۰ تهران که تراکم جمعیتی بالاتر دارد، بدتر است و تعداد مراجعه به اورژانس‌های مقیم در میادین و نیز تماس‌ها هم از این منطقه شهرداری نسبت به سایر مناطق تهران بیشتر است. مناطق ۱۱ و ۱۴ دیگر مناطق شهری هستند که بیشترین تماس و اعزام آمبولانس را دارند.

مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس اما آمار دقیق‌تری دارد. او به ما می‌گوید از ۹ دی ماه تا ۱۴ دی ماه که تهران آلوده‌تر شد، حدود ۱۳۰۰ نفر فرد مبتلا به عارضه تنفسی و قلبی - عروقی با اورژانس تماس گرفته‌اند. از ۱۳۰۰ نفری که در این هفته با اورژانس تماس گرفته‌اند، ۷۰ درصدشان افرادی با عارضه قلبی - عروقی و ۳۰ درصدشان هم افرادی دارای مشکلات تنفسی بوده‌اند. این آمار در روزهایی که تهران در وضعیت قرمز قرار نداشته کمتر بوده است. در یک هفته پیش حدود ۱۱۰۰ فرد با عارضه قلبی - عروقی یا تنگی‌نفس با اورژانس تهران تماس گرفته‌اند. غفور راستین، رئیس اورژانس اصفهان نیز با اشاره به آلودگی هوا در این استان از افزایش ۷ تا ۱۰ درصدی بیماران داخلی، قلبی و تنفسی به مراکز اورژانس خبر می‌دهد و به ما می‌گوید: با تشدید آلایندگی هوا، تعداد پایگاه‌های اورژانس در مناطق آلوده افزایش یافته است. بهروز ایران‌نژاد، معاون فنی و عملیات اورژانس استان مرکزی نیز به جام جم می‌گوید: همزمان با افزایش آلودگی هوا شاهد رشد ۸ درصدی تماس بیماران قلبی و تنفسی با اورژانس هستیم. وی می‌افزاید: از ابتدای دی‌ماه بیش از ۱۸۰ بیمار قلبی و تنفسی به مراکز درمانی منتقل شده‌اند که عدد قابل توجهی به شمار می‌رود، زیرا نسبت به روزهایی که هوا آلوده نبوده، رشد ۸ درصدی داشته است.

کوتاه‌تر از گزارش

بازگشت شعف به ندامتگاه تهران بزرگ

مریم خباز

جامعه

«بلاتکلیف‌ترین نقطه دنیا» لقبی بود که ما به زندان تهران بزرگ داده بودیم، ندامتگاهی با ۱۶ هزار زندانی که مددجویانش فارغ از جرم‌هایی که مرتکب شده بودند، دردی مشترک داشتند که به جرم و مجازاتشان مربوط نمی‌شد ولی به همان اندازه می‌چزاندشان. ما چهار ماه قبل از شهر تهران بیرون زدیم، از کهریزک گذشتیم و به حسن‌آباد فشافویه رسیدیم و درجاده باریک چرمشهر راندیم و سرانجام با دیدن برجک‌های دیدبانی زندان، راه کج کردیم به سمت ندامتگاه تهران بزرگ که مسؤولان محلی دوست نداشتند به آن زندان فشافویه بگوییم و اصرار داشتند این زندان را همچنان زندان قصر تهران بدانیم.

این اسامی پیش چشم ما یکسان بود، زیرا آنچه ما از صبح تا ظهر یک روز یکشنبه وسط بیابان‌های جنوب تهران دیدیم و حرف‌هایی که از خانواده زندانیان شنیدیم و ترسی که احساس کردیم وغربتی که چشیدیم، وادارمان کرد که بنویسیم «ندامتگاه تهران بزرگ، جایی است که برای رسیدن به آن یک جاده باریک هفت متری در دسترس است که شب‌ها تاریکی محض قورتش می‌دهد، یک زندان است وسط چشم‌انداز خاکی و خسته‌کننده بیابان که سگ‌های ولگرد محاصره‌اش کرده‌اند و اطرافش خاکی و بلاتکلیف است که خانواده زندانیان باید روی ریگ‌های درشت راه بروند که در محوطه بیرونی‌اش فقط سه نیمکت آهنی کاشته‌اند که در گرما و سرما غیرقابل نشستن است که جایی برای خستگی درکردن ندارد، اتوبوس هم ندارد، ایستگاه مترو هم ندارد، حتی تاکسی هم ندارد که اگر زن تنهایی باشی، ممکن است گیر دزدان ناموس بیفتی و اگر مردی یکه باشی به‌احتمال زیاد جیبت را می‌زنند و لخت می‌کنند، تازه اگر شانس آورده و در تصادف با یکی از تریلی‌ها و کامیون‌ها له نشده باشی.»

ما برای یافتن مقصران این وضع با هر نهادی که مرتبط دانستیم، تماس گرفتیم ولی چنان مثل توپ فوتبال از این‌سو به آن‌سو شوت شدیم که نه‌تنها متولی مشکلات را پیدا نکردیم بلکه باز مجبور شدیم درگزارش‌مان بنویسیم «این سوژه‌ای پرمخاطره بود، یک سوژه اعصاب‌خردکن از آنها که به خاطرش باید به صغیر و کبیر زنگ زد، از آنها که برایش می‌دوی و به هیچ جا نمی‌رسی، از آن سوژه‌ها که آخرش مجبوری با افسوس سرتکان بدهی و رنج‌هایت را بریزی توی دلت.»

بعد از گذشت چهار ماه اما گویا ابرهای تیره از آسمان بخت این ندامتگاه کنار کشیده و نور امید به بخشی از مسائل و چالش‌ها تابیده‌است.

راه‌اندازی خط اتوبوس اختصاصی از متروی باقرشهر به زندان تهران بزرگ. همین نور امید بود که چهار ماه قبل وقتی ما پیگیر راه‌اندازی‌اش بودیم، می‌گفتند این کار ربطی به اتوبوسرانی تهران ندارد. حالا اما همین اتوبوسرانی تهران خط ویژه‌ای راه انداخته که هرروز از ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح تا ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر به فاصله هر یک ساعت از ایستگاه متروی شاهد به زندان می‌رود و هر یک ساعت به یک ساعت از ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه صبح تا ۱۴ و ۳۰ دقیقه ظهر از زندان به سمت متروبرمی‌گردد.

این خط اتوبوس برای هزاران نفری که سال‌ها منتظرش بودند چیزی از کشتی نجات برای گمشده‌ای در دریا کم ندارد و حالا ما نامه‌ای به خط یکی از زندانیان تهران بزرگ در دست داریم که به نمایندگی از هزاران مددجو و خانواده‌های‌شان قدردان تلاش‌های جام جم شده‌اند و می‌گویند راه‌اندازی این خط اتوبوس برای مددجویان و خانواده‌هایشان موجب مسرتی وصف‌ناپذیر است.

کسی که این نامه را نوشته البته یک‌بار دیگر تقاضای اهالی زندان برای عریض شدن جاده پلیس‌راه حسن‌آباد تا ندامتگاه را مطرح کرده که خواسته بحقی است و البته ما فقط یک قول از مسؤول مربوط در راهداری استان داریم که چهارماه قبل وعده داده بود مشکل این جاده نیز تا پایان سال حل شود.